

واکاوی مشروعیت طواف بانوان در حج تمتع، در دوران عادت ماهیانه

سجاد جنابادی*

چکیده

حج تمتع بر هر مسلمانی، در صورت استطاعت مالی و سلامت جسمی واجب است و در این باره تبعیض جنسیتی وجود ندارد. طواف یکی از مهم‌ترین احکام حج است که مستلزم طهارت طواف‌کننده است.

این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده و در صدد پاسخ‌دهی به این سؤال است که تکلیف طواف بانوانی که در حین طواف درگیر عادات ماهیانه می‌شوند، چیست؟ در این باره نظرات مختلفی مطرح است. در بررسی انجام‌شده مشخص شد که فقهای امامیه معتقدند اگر چهار دور طواف انجام داده باشد، باید طواف را ادامه دهد؛ در غیر این صورت باید از آن عدول کند. اما شیخ صدوق معتقد است مطلق طواف صحیح است و ابن ادریس بر باطل بودن آن عقیده دارد.

در این پژوهش، ضمن واکاوی هر نظریه، حکم کلی این مهم استخراج می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که با توجه به قداست عمل حج، اگر عدول از آن میسر نباشد،

*. سطح ۴ و مدرس حوزه علمیه mojenaabadi@yahoo.com

نباید این عمل مقدس را نیمه‌کاره رها کرد؛ اما در عین حال همین قداست بیان می‌دارد که افراد ناپاک نباید در این عمل مقدس حضور یابند.
واژگان کلیدی: حج، طواف، عادت ماهانه، طهارت، فقه اسلامی.

یکی از ارکان مهم دین اسلام، حج است که در قرآن کریم و روایات به آن توجه فراوانی شده و بر پایه منابع فقه اسلامی، تکلیف به حج به طور یکسان متوجه زنان و مردان است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۳۰) زنان، علاوه بر احکام مشترک با مردان، دارای احکام خاصی برای مناسک حج (از جمله نداشتن عذر در ایام عادت ماهیانه) هستند.
حج در فقه اسلامی همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از نگاه‌های فقهی به این فریضه اختصاص یافته است و کمتر فقهی را می‌توان یافت که درباره این عبادت مهم چیزی نگاشته باشد. با این وجود در خصوص موضوع و مسئله پژوهش حاضر، تحقیق و پژوهشی به صورت مستقل صورت نگرفته است؛ هرچند هریک از فقها در خلال بحث از مسائل و فروع فقهی حج، به این مسئله پرداخته‌اند و نظر و فتوای خویش را در آنجا بیان کرده‌اند؛ از جمله شیخ طوسی (در چهار کتاب تهذیب الاحکام، استبصار، مبسوط و نهاییه)، شیخ صدوق (در کتاب من لایحضره الفقیه)، ابن ادریس (در کتاب سرائر) و... از فقهای متقدم و صاحب جواهر (در جواهر الکلام) از فقهای متأخر و آیت الله خویی (در کتاب المعتمد فی شرح مناسک)، امام خمینی (در کتاب مناسک حج)، آیت الله وحید خراسانی (در کتاب شرح مناسک) و... از فقهای معاصر.
از بررسی اجمالی این منابع، چند نظریه استخراج می‌شود. برخی به بطلان حج در وضعیتی که عادت ماهانه بانوان آغاز می‌شود، قائلند و برخی به صحیح بودن آن. اکثر فقهای شیعه نظریه معتدل و میانه را برگزیده‌اند. بنابراین در خصوص این حکم، مناقشه وجود داشته است و با توجه به اهمیت ویژه مناسک حج باید حکم صحیح آن استخراج شود تا در این عمل مقدس شبهه‌ای ایجاد نشود.

در این پژوهش، همانند اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در حیطه فقه و حقوق اسلامی، روش توصیفی - تحلیلی به کار گرفته شد و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای

و میراث مکتوب فقهی نسبت به جمع‌آوری ادله و احکام اقدام شد. نظر به اینکه بحث مذکور، متبلا به بوده و با فقدان نگارش‌های مستقل پژوهشی در این خصوص مواجهه است، بحث و بررسی پیرامون ادله و اقوال فقها ضروری به نظر می‌رسد. امید آنکه برای دانش‌پژوهان فقه‌الحج مفید واقع شود.

در این پژوهش ضمن بررسی احکام مختلف این حوزه، به نقد آنها پرداخته و تلاش می‌شود که حکم منطقی‌تر استخراج شود.

سؤال پژوهش این است که در صورت آغاز دوران عادت ماهانه بانوان در اثنای حج، تکلیف ادامه حج چیست و ماهیت آن به چه صورت است؟ به نظر می‌رسد که حکم صحت و ابطال کامل در این خصوص، بدون توجه به مقتضیات بوده و باید حکم معتدل‌تری انتخاب شود.

دیدگاه فقها

۱. مشهور فقها

مشهور فقها درباره حکم مسئله زنی که در اثنای طواف حج تمتع گرفتار عادت شود قائل به تفصیل شده‌اند و معتقدند اگر چهار دور طواف به اتمام رسیده باشد، می‌تواند بر عمره خود باقی بماند و باقیمانده دورها را رها کند و سعی را انجام دهد، سپس تقصیر کند و به احرام حج محرم شود و در پایان، باقیمانده طواف تمتع را انجام دهد؛ ولی اگر کمتر از چهار دور طواف کرده باشد، باید به حج افراد عدول کند. (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۵)

صاحب جواهر در این باره می‌نویسد:

«درباره حکم زنی که در اثنای طواف دچار عادت ماهیانه می‌شود، اگر چهار دور طواف خود را به اتمام رسانده باشد، بقیه اعمالش که در آنها طهارت شرط نیست را انجام می‌دهد و در پایان پس از طهارت و پاک شدن باقیمانده طواف‌ها را قضا می‌کند. دلیل این قول علاوه بر وجود روایات خاصه، اطلاق ادله و روایاتی است که مشهور

فقهای امامیه به آن عمل کرده‌اند و این قول و نظر از شهرت عظیمه‌ای بین فقهای امامیه برخوردار است و از طرفی اتمام چهار دور طواف، موجب احراز طواف می‌شود.^۱ (صاحب جواهر، ۱۳۸۶ق، ج ۱۲، ص ۵۵)

شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۳۱، ابن حمزه (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۲)، علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۸۷)، جبل عاملی (عاملی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸۱)، محدث بحرانی (بحرانی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۳۴۷)، محقق کرکی (کرکی، ۱۳۷۰ق، ج ۱، ص ۵۰۰)، صاحب عروه (یزدی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۶۲۹)، امام خمینی (خمینی، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۲۷۴)، خویی (همان)، تبریزی (همان)، سیستانی (همان) و وحید خراسانی، (وحید خراسانی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴۷) از فقهای هستند که به این دیدگاه تصریح کرده‌اند.

ابن حمزه نیز به این نظریه معتقد است و در این باره می‌نویسد:

«اگر پیش از طواف چهارم حیض شد، عمره تمتع باطل می‌شود و باید بر احرام خود باقی بماند و به منا و عرفات و مشعر برود که در این صورت حج او مفرده خواهد بود.» (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۹۸)

آیت الله بهجت نیز می‌نویسد:

«اگر خانمی در وسط طواف حائض شود، اکثر فقهای امامیه می‌گویند که اگر قبل

۱. [في حكم المتمتعة التي طافت أربعاً ثم حاضت] ولو تجدد العذر و قد طافت أربعاً صحت تمتعتها و أنت بالسعي و بقية المناسك التي قد عرفت عدم اشتراط شيء منها بالطهارة و قضت بعد طهرها ما بقي من طوافها قبل طواف الحج، لتقدم سببه كما في كلام بعض، أو بعده كما في كلام آخر، أو مخيرة كما هو مقتضى إطلاق الأدلة على المشهور بين الأصحاب شهرة عظيمة، لعموم ما دل على إحراز الطواف بإحراز الأربعة منه، و خصوص النصوص كخبر أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام: «إذا حاضت المرأة و هي في الطواف بالبيت أو بين الصفا و المروة فجازت النصف فعلمت ذلك الموضع، فإذا طهرت رجعت فأتمت بقية طوافها من الموضع الذي علمته، و ان هي قطعت طوافها في أقل من النصف فعليها أن تستأنف الطواف من أوله».

از اتمام دور چهارم طواف باشد، طواف وی باطل بوده و چنین شخصی باید فوراً از مسجدالحرام خارج بشود.» (۱۳۸۳ش، ص ۱۱۹)

۲. نظر شیخ صدوق

شیخ صدوق معتقد است کسی که در اثنای حج تمتع دچار عادت ماهیانه شود مطلقاً، چه چهار دور طواف به اتمام رسیده باشد و چه کمتر از چهار دور طواف کرده باشد، عمره تمتع وی صحیح خواهد بود و بقیه طواف را باید در پایان اعمال حج به جا آورد. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۶۳)

محقق اردبیلی نیز قائل به این قول است و در این باره می نویسد:

شیخ صدوق رحمته الله درباره حکم زنی که در اثنای طواف دچار عادت ماهیانه می شود، قائل به عدم مانعیت مطلقاً بوده - یعنی حیض و عادت ماهیانه چه قبل از اتمام چهار دور طواف باشد و چه بعد از آن - و بر این باور بوده که طواف چنین شخصی باطل نمی شود.

شیخ صدوق برای این نظریه خود به ادله ای استناد جسته و بر اساس آن ها فتوا داده است؛ بدون عمل کردن به آن دسته از روایاتی که تصریح به تفصیل بین اتمام چهار دور طواف و کمتر از آن می کند و به نظر ما هم روایاتی که شیخ صدوق به آنها تمسک جسته و بر اساس آنها فتوا داده است، هم از حیث سندی صحیح و دارای اتصال بوده و هم از حیث مضمون و محتوا مشعر به اجازه و رخصت از جانب معصومین علیهم السلام بر صحت و عدم مانعیت به صورت مطلقاً می باشد و آن دسته از روایاتی که مورد استناد مشهور فقهای امامیه بوده، از حیث سندی دچار ضعف و انقطاع می باشد. (اردبیلی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۲۲۷)

۳. نظر ابن ادریس حلی

ابن ادریس حلی به بطلان عمره تمتع زنی که در اثنای حج تمتع دچار عادت ماهیانه شود، قائل است و معتقد است که آن زن باید به حج افراد عدول کند. (ابن ادریس حلی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۵۳۷)

۱. ادله قول مشهور

مشهور برای قول تفصیل بین اتمام چهار دور طواف و عدم اتمام آن به پاره‌ای از روایات تمسک کرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

اگر زنی خون حیض ببیند و در حال طواف باشد، پس اگر نصف طواف را کامل کرده باشد، به خاطر می‌سپارد که چند طواف انجام داده و در کدام مکان بوده و زمانی که ظاهر شد، بقیه طواف‌ها را از همان مکان و موضع انجام می‌دهد.^۱ (حر

عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۴۵۴)

- احمد بن عمر می‌گوید:

از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم از حکم زنی که پنج دور طواف را به اتمام رسانده و بعد خون حیض دیده. امام فرمود: اگر دورهای طوافش از نصف تجاوز کرده، از همان جا که علم دارد به باقی طواف‌ها بعد از پاک شدن

می‌پردازد.^۲ (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۴۵۵)

- صاحب لؤلؤ می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام درباره حکم خانمی که در اثنای طواف حیض می‌بیند شنیدم که

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي جَمْرَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَ هِيَ فِي الطَّوَّافِ بِالْبَيْتِ وَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَجَاوَزَتِ النِّصْفَ فَعَلَّمَتْ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ فَإِذَا طَهَّرَتْ رَجَعَتْ فَأَتَمَّتْ بَقِيَّةَ طَوَّافِهَا مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي عَلَّمَتْهُ فَإِنْ هِيَ قَطَعَتْ طَوَّافِهَا فِي أَقَلِّ مِنَ النِّصْفِ فَعَلَيْهَا أَنْ تَسْتَأْنِفَ الطَّوَّافَ مِنْ أَوَّلِهِ.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَالِ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ طَافَتْ حَمْسَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ اعْتَلَّتْ قَالَ إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَ هِيَ فِي الطَّوَّافِ بِالْبَيْتِ أَوْ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ جَاوَزَتِ النِّصْفَ عَلَّمَتْ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ الَّذِي بَلَغَتْ فَإِذَا هِيَ قَطَعَتْ طَوَّافِهَا فِي أَقَلِّ مِنَ النِّصْفِ فَعَلَيْهَا أَنْ تَسْتَأْنِفَ الطَّوَّافَ مِنْ أَوَّلِهِ.

فرمود: اگر چهار دور از طواف عمره‌اش به اتمام رسیده، سپس حیض شده است، باید چنین شخصی طوافش را پس از طهارت به اتمام برساند و تمتعش کامل است و چیزی بر عهده‌اش نمی‌باشد و...^۱ (همان‌جا)

این دسته از روایات در چند جهت تقویت می‌شوند:

الف) صاحب جواهر، برخلاف مشهور، بسیاری از این روایات را صحیحه می‌داند. (صاحب جواهر، ۱۳۶۲ق، ج ۱۸، ص ۵۵)

ب) این دسته از روایات از شهرت عملی برخوردارند و حتی در صورت ضعف سند برخی از این دسته روایات، عمل بسیاری از فقها جابر ضعف سند آنها می‌شود؛ چراکه مشهور فقها معتقدند شهرت عملی می‌تواند ضعف روایت را از نظر سند جبران کند. (آملی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۴۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۸۷؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۹)

بنابراین اگر روایتی درباره حکمی شرعی وارد شده باشد و بر اساس موازین مشخص شده از نظر ضعف سند ضعیف باشد، ولی مشهور فقیهان بر اساس آن فتوا داده و بدان استناد کرده باشند، در این صورت استناد مشهور به این روایت، ضعف سندی آن را جبران می‌کند و در نتیجه می‌توان طبق این روایت ضعیف حکم شرعی را استنباط کرد.

برخی از فقهای مشهور، شهرت عملی را از آن جهت که کاشف از احتفاف به قرائن است، جابر روایت ضعیف می‌دانند (نائینی، ۱۳۵۲ش، ج ۲، ص ۹۹) و برخی دلیل آن را بر مدار اطمینان می‌دانند و معتقدند که با شهرت عملی، اطمینان به روایت افزایش می‌یابد. (آملی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۲۵۲)

پس در این بحث نیز اگر روایاتی را که مشهور فقها به آن استناد کرده‌اند ضعیف بدانیم - هر چند صاحب جواهر اکثر این روایات را صحیحه می‌داند - عمل فقها بر طبق این روایات جابر ضعف آنهاست.

۱. وباسناده عن موسى بن القاسم، عن صفوان بن يحيى عن ابن مسكان عن أبي إسحاق صاحب اللؤلؤ قال: حدثني من سمع أبا عبد الله عليه السلام يقول: في المرأة المتمتعة إذا طافت بالبيت أربعة أشواط ثم حاضت فتمتعها تامة، وتقضي ما فاتها من الطواف بالبيت وبين الصفا والمروة، وتخرج إلى منى قبل أن تطوف الطواف الآخر

۲. ادله قول شیخ صدوق

شیخ صدوق معتقد است عمره تمتع زنی که در اثنای طواف دچار عادت ماهیانه شود، مطلقاً صحیح است، وی برای اثبات قول خود به روایت ذیل استناد کرده است:

موسی بن قاسم می گوید:

از امام صادق علیه السلام درباره زنی که در عمره تمتع در حال طواف است پرسیدم که در هنگام چهار دور طواف خون حیض می بیند. امام فرمود: عمره تمتع او کامل است و ادامه دورهای طواف را بعداً جبران نماید.^۱ (طوسی، ۱۳۶۷ق، ج ۵، ص ۴۷۵)

آنچه از این روایت ظاهر و مبرهن است این است که امام تفصیلی بین اتمام چهار دور طواف و عدم آن نکرده و به صورت مطلق به صحت عمره تمتع حکم نموده است؛ ولی به نظر نگارنده، این روایت به چند جهت مورد تضعیف واقع می شود:

الف) در سلسله سند این روایات عبدالرحمان وجود دارد که مردد بین نود نفر است. بنابراین نمی توان مشخص کرد که او کیست. به همین جهت صاحب جواهر این روایت را ضعیف می داند.

ب) این روایت معارض با روایاتی است که مشهور به آن عمل کرده اند.

۳. ادله قول ابن ادریس حلی

ابن ادریس که قائل است عمره تمتع زنی که در اثنای طواف دچار عادت ماهیانه شده، باطل است برای اثبات قول خود به اصل تمسک کرده؛ به این معنا که زن نمی تواند عمره تمتع را کامل (هفت شوط) انجام دهد و اصل این است که عمل طواف او ناتمام مانده است و مجزی نیست و چاره ای جز عدول به حج افراد ندارد.

(مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۵، ۱۳۸۹ش)

۱. محمد بن الحسن باسناده عن موسی بن القاسم عن عبدالرحمن عن حماد بن عیسی عن حریز عن محمد بن مسلم قال: «سألت أبا عبد الله علیه السلام عن امرأة طافت ثلاثه أطوافٍ أو أقل من ذلك ثم رأت دماً. فقال: تحفظ مكانها فإذا طهرت طافت منه واعتدت بما مضى».

در پاسخ به این دلیل باید گفت که اصل در جایی معتبر است و به آن استناد می‌شود که دلیل اجتهادی در مقابل آن نباشد؛ حال آنکه در این مسئله، روایات مشهور وجود دارد. (همان‌جا)

۲. الحاق قائلین به نصف به رأی مشهور

برخی از فقهای امامیه قائلند که عارض شدن حیض پیش از رسیدن به نصف مبطل است و پس از آن مانعی ندارد. این قول، به همان قول مشهور ملحق می‌شود؛ چراکه مراد آنها از نصف همان چهار دور طواف است؛ چنان‌که شیخ طوسی در چهار کتاب/استبصار (طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۳۱۶)، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد (طوسی، ۱۳۵۹ق، ج ۱، ص ۳۱۳)، تهذیب الاحکام (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۹۶) و الجمل و العقود فی العبادات، (طوسی، ۱۳۴۷ق، ج ۱، ص ۱۵۲) قائل به بطلان طرو حیض پیش از رسیدن به نصف است و در دو کتاب (طوسی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۳۳۱) و النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی (طوسی، ۱۳۴۲ق، ج ۱، ص ۲۷۶) مراد از نصف را اتمام چهار دور طواف می‌دانند. وی برای فتوایش به روایت ذیل استناد کرده است:

از امام صادق علیه السلام درباره خانمی که سه دور یا کمتر طواف انجام داده و سپس خون دیده است، سؤال کردم. حضرت در پاسخ فرمودند: مکانش را به خاطر بسپارد. پس زمانی که پاک شد، ادامه طواف را انجام بدهد. (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۳۰)

گفتنی است که این روایت با روایات دیگر که اتمام چهار دور طواف را شرط می‌دانند، متفاوت است.

احتمال می‌رود شیخ طوسی برای معیار این فتوایش این حدیث - که از حیث سندی هم صحیح بوده - را با روایات بعدی جمع کرده و ملاک را همان چهار دور طواف دانسته است؛ چراکه اکثر فقهای امامیه ملاک را اتمام چهار دور طواف می‌دانند.

این بابویه (بروجردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۰)، مرحوم کلینی (کلینی، ۱۳۹۳ش، ج ۴، ص ۴۴۹)، شیخ مفید (مفید، ۱۳۶۸ق، ج ۱، ص ۴۴۰) و ابوالصلاح حلبی (جلبی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۸) از فقهای هستند که به این دیدگاه تصریح کرده‌اند و مرادشان به قول مشهور انصراف دارد.

۳. انصراف مسئله به ضیق وقت

صاحب جواهر می گوید:

«آیا حکم به عدول زن بعد از چهار دور طواف مربوط به ضیق وقت است یا حال سعه را نیز شامل می شود؟ یعنی بگوییم اگر این زن وقت کافی دارد و می تواند صبر کند و پاک شود، آیا باز هم می تواند بعد از چهار دور طواف مابقی را رها کند و سراغ سعی برود و اعمال خود را ادامه دهد یا اینکه اگر زن وقت کافی دارد، باید صبر کند و وقتی پاک شد، مابقی طواف را انجام دهد و بعد به سراغ سعی و سایر اعمال برود و عدول نکند.

اکثراً در جواب به این پرسش اذعان کرده اند که این مسئله مربوط به ضیق وقت می باشد و در سعه وقت باید صبر کند و وقتی پاک بشود مابقی طواف را انجام دهد.» (صاحب جواهر، ۱۳۶۲ق، ج ۱۸، ص ۵۶)

نتیجه گیری

مشهور فقهای امامیه معتقدند خانمی که در اثنای طواف حج تمتع دچار عادت شود، اگر چهار دور طواف او تمام شده باشد، می تواند بر عمره تمتع خود باقی بماند و اگر کمتر از چهار دور طواف کرده باشد، باید به حج افراد عدول کند. مشهور برای اثبات نظر خود به روایاتی تمسک جستند که شهرت فتوایی باعث تقویت این روایات شده است.

شیخ صدوق و ابن ادریس حلی، خلاف دیدگاه مذکور را دارند. شیخ صدوق معتقد است که عمره تمتعش مطلقاً صحیح است و باقیمانده طواف را باید در آخر اعمال حج به جا آورد. ایشان برای اثبات قول خود به روایتی تمسک کرده که از حیث سند ضعیف، و معارض با روایات مشهور است. ابن ادریس نیز بر این باور است که عمره چنین زنی در هر حال باطل است و باید به حج افراد عدول کند. وی برای

اثبات قول خود به اصل استناد کرده است؛ حال آنکه اصل تا زمانی معتبر است که در مقابل آن، اصل اجتهادی وجود نداشته باشد؛ در صورتی که در اینجا روایات مستنده‌ای وجود دارد.

منابع

۱. آملی، میرزاهاشم (۱۳۸۶ق)، تحریر الاصول، قم، اسلامیه، چاپ اول.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۳. ابن حمزه طوسی، محمد علی (۱۴۰۸ق)، الوسيله الی النیل الی فضیله، قم، مکتب آیت الله عظمی مرعشی نجفی، چاپ اول.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۹)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۵. بحرانی، یوسف (۱۴۱۰ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۶. بروجردی، عبدالرحیم (۱۴۰۶ق)، مجموعه فتاوی ابن بابویه، قم، اخلاص، چاپ اول.
۷. بروجردی، سیدحسین (۱۳۳۳)، مناسک حج، قم، اسلامیه، چاپ اول.
۸. جوهری، اسماعیل بن حمار (۱۳۶۹)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، تهران، نشر امیری، چاپ اول.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۱۰. حلبی، ابو الصلاح (۱۳۹۲)، الکافی فی الفقه، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم.
۱۱. حلی، حسن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۷)، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۳. خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۲)، مناسک حج، تهران، بی نا، چاپ اول.

۱۴. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۷)، المعتمد فی شرح المناسک، قم، مؤسسه احیای آثار امام خویی، چاپ اول.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق)، المحصول فی علم الاصول، تقریر محمود جلالی مازندرانی، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، چاپ اول.
۱۶. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸)، مناسک حج و احکام عمره، قم، مؤسسه امام جعفر صادق علیه السلام، چاپ اول.
۱۷. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۱۸. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دم.
۱۹. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۲۰. صانعی، یوسف (۱۳۹۴)، مناسک حج، قم، فقه الثقلین، چاپ اول.
۲۱. صدر، سید محمدباقر، (۱۳۹۱)، الفتاوی الواضحه لمذهب اهل البيت علیهم السلام، انتشارات دارالبشیر، چاپ اول.
۲۲. کرکی، علی بن حسین (۱۳۷۰)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳)، کافی، قم، دارالتقلین، چاپ اول.
۲۴. طباطبائی یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقی، بیروت، مؤسسه علمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰)، الاستبصار فیما اختلف من الخبر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۷)، الجمل و العقود فی العبادات، مشهد، دانشگاه مشهد، چاپ اول.

۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۷)، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تهران، مکتب چهل ستون عامه، چاپ اول.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳)، المبسوط فی الفقه الامامیه، مکتبه المرتضویه، چاپ اول.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۲)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۳۱. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۴۲۹ق)، دراسات فی الاصول، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم السلام، چاپ اول.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق)، انوار الاصول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.
۳۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۶۸)، المقنعه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۳۴. وحید خراسانی، حسین (۱۳۸۶)، مناسک حج، قم، مدرسه امام باقر علیه السلام، چاپ اول.
۳۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه، قم، مؤسسه نشر آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول.